

محرم: نمایش خشونت در مقابل چشم کودکان

نعیمه دوستدار

«چهار ساله بودم که یک سال محرم برای دیدن فامیل و شرکت در مراسم عزاداری به یکی از شهرهای شمال کشور رفتیم. خانه مادر بزرگم در محله‌ای بود که یکی از حسینیه‌های مشهور در آن قرار داشت. فضای میدانگاه جلوی حسینیه محل رفت و آمد دسته‌های مختلف عزاداران بود و چون عمویم در همان میدانچه مغازه داشت، من و دخترعمه‌ام را همراه چند تا از بچه‌های فامیل به پشت بام مغازه عمو بردند تا مراسم را از آن بالا ببینیم. ظهر عاشورا در میدان جای سوزن انداختن نبود. گروه‌های مختلف مردان با بالاتنه برهنه می‌آمدند که سینه‌هایشان از اثر ضربات سرخ و خونین بود. از کتف زنجیرزان خون می‌ریخت و آخر سر هم گروهی آمدند که میخ‌های خیلی بزرگی را بر کتف و شانه‌های خود کوبیده بودند و خون از سوراخ‌های میخ جاری بود. من و دخترعمه‌ام بهت‌زده به این مراسم عجیب نگاه می‌کردیم و گمان بزرگ‌ترهایمان هم این بود که ما را به کارناوالی جذاب آورده‌اند.»

عزاداری محرم در ایران هرچند تنها مراسم مذهبی نیست، اما بی‌شک فراگیرترین آنهاست تا جایی که گروه‌های مختلف اجتماعی و سنی بدون محدودیت در آن شرکت می‌کنند و بچه‌ها، از نوزاد تا نوجوان همراه خانواده‌هایشان در آن حضور دارند. با این حال نه تنها نظارتی بر شیوه حضور کودکان در این مراسم وجود ندارد، بلکه از کودکان در این برنامه‌ها استفاده ابزاری و ایدئولوژیک می‌شود.

خشونت عریان در هیات‌های مذهبی

فضای عمومی بسیاری از برنامه‌ها و مراسمی که به مناسبت ماه محرم در ایران برگزار می‌شود، ترکیبی است از شیوه‌های مختلف عزاداری. از روضه‌خوانی و گریه و داد و فریاد گرفته تا اجرای مراسمی مانند قمه زنی، بلندکردن نیزه‌های خون آلود و سرهای بریده، بریدن سر گوسفندان و نحر کردن شتر، نواختن زنجیر بر کتف‌های عریان و سینه‌زنی. برای شرکت در هیچ کدام از این برنامه‌ها محدودیت سنی وجود ندارد و با وجود اینکه رهبر ایران و برخی دیگر از مراجع تقلید اجرای مراسمی مانند قمه زنی را خرافی و ممنوع اعلام کرده‌اند، این برنامه‌ها همچنان در مناطق مختلف ایران در ابعاد مختلف اجرا می‌شود.

از آنجا که مراسم محرم یک مراسم جمعی است، کودکانی که همراه خانواده‌ها به این مراسم می‌روند چاره‌ای جز مشارکت در آنها ندارند. کودکان ساعت‌ها در فضاهایی که صدای بلندگو در آنها بلند است و از بلندگوها صدای ناله و گریه پخش می‌شود حضور دارند و تا نیمه‌های شب بدون استراحت و امکان خواب در این فضاها باقی می‌مانند.

علاوه بر این، در حالی که مداحان و سخنرانان بدون توجه به سن شرکت‌کنندگان بی‌پرده به توصیف صحنه‌های دلخراش و خشن می‌پردازند، فضای عزاداری و گریه گاه بر روح و روان کودکان اثر می‌گذارد و آنها نیز مجبور به گریه می‌شوند.

عارفه ۵۳ ساله درباره خاطرات کودکی‌اش از مراسم محرم می‌گوید: «خیلی بازی می‌کردیم با بچه‌های فامیل و همسایه. جنبه سرگرمی داشت برایمان. اما راستش تا قبل از نوجوانی من خودم اصلاً به روضه‌ها گوش نمی‌کردم. سیزده ساله بودم و همراه مادرم در یک مجلس روضه زنانه نشسته بودیم. روضه‌خوان از گوشواره‌های دخترکی می‌گفت که آن را از گوشش کشیده بودند و پاره شده بود، از حلق بریده کودکی شش ماهه می‌گفت و از پاشیدن خون آن کودک به آسمان. نشسته بودم و آن تصاویر جلوی چشمم رژه می‌رفتند. زنی کمی آن طرف‌تر غش کرده بود. دختر هفت‌هشت ساله‌اش وحشت‌زده نگاهش می‌کرد. چراغ را خاموش کرده بودند و توی آن تاریکی من فقط نگاه دختر بچه‌ها را می‌دیدم که به چادر مادرهایشان چسبیده بودند و نمی‌دانم چه شد که ناگهان از زور فشار زدم زیر گریه. زنی بهم گفت التماس دعا.»

مهدی به قزل خودش بچه هیاتی است و از وقتی یادش می‌آید همراه پدرش توی هیات‌ها بوده: «اول کمی عزاداری می‌کردند و بعد می‌گفتند چراغ‌ها را خاموش کنید تا مردها لخت شوند. سینه می‌زدند تا جایی که تن‌شان کبود می‌شد، کودی تن‌شان یک جوری کلاس و نشانه مومن بودن بود. وقتی بچه بودم ساعت‌ها توی خانه روی تنم می‌کوبیدم تا کبود شود. می‌خواستم مثل آنها باشم. الان هم همین است با این که قمه زنی ممنوع است مردها می‌روند توی حیات پستی هیات و قمه می‌زنند. بعد با پیشانی خونی می‌آیند توی جمع. بچه‌ها هم هستند و می‌بینند.»

کودکان، ابزار اشک گرفتن از مردم

استفاده ابزاری از کودکان برای تبلیغ بیشتر ایدئولوژی شیعه، نمونه دیگری از اعمال خشونت نسبت به کودکان در مراسم محرم و برنامه‌های مشابه آن است. پوشاندن لباس مشکی، پوشاندن لباس‌های مخصوص و بستن سربند و شرکت دادن آنها در برنامه‌هایی مانند مراسم شیرخوارگان حسینی و بالای دست گرفتن و بلند کردن آنها در میانه مراسم و در میان داد و فریاد و ناله عزاداران که به خصوص و در مورد

نوزادان انجام می‌شود، به نوعی درگیر کردن کودکان در یک مراسم کاملاً مذهبی و استفاده تبلیغی از آنهاست آن هم در حالی که این کودکان از درک آنچه در اطرافشان می‌گذرد عاجزند و اراده و اختیاری درباره این اتفاقات ندارند.

ابوالفضل که جوان ۵۲ ساله ساکن اصفهان است می‌گوید: «تا نوزاد بودم لباس علی‌اصغر را به من می‌پوشاندند، بعدها باید لباس عبدالله پسر امام حسن را می‌پوشیدم. مرا شبیه بچه‌های اسیر می‌کردند و بزرگ‌ترها با دیدنم اشک می‌ریختند یا به لباس‌هایم دست می‌کشیدند و دعا می‌کردند، در این حالت اصلاً راحت نبودم، معذب می‌شدم و دلم می‌خواست هرچه زودتر مراسم تمام شود. راستش اسمم را هم دوست ندارم چون مادرم مرا نذر امام حسین کرده و من همیشه حس می‌کنم خودم به تنهایی هویتی ندارم. البته از وقتی بالغ شدم، دیگر در مراسم محرم شرکت نمی‌کنم.»

در فیلم‌هایی که از مراسم محرم در ایران منتشر می‌شود، می‌توان کودکانی را دید که مداحان از آنها برای شبیه‌سازی کودکان حاضر در عاشورا استفاده می‌کنند و در تاریکی مراسم آنها را بلند می‌کنند و به جمعیت نشان می‌دهند. همچنین کودکان را برای تبرک شدن بر سر دست می‌گیرند تا روحانی و مداح آنها را لمس کنند. برخی از کودکان که بیمار هستند ممکن است به دلیل نذری که پدر یا مادر کرده‌اند مجبور شوند در مراسم به حاضران خدمات بدهند؛ مثلاً از آنها برای کارهای آشپزخانه، شستن ظرف یا چای دادن استفاده می‌شود و در عین حال فشار روانی و جسمی اضافه‌ای علاوه بر رنج بیماری بر آنها تحمیل می‌شود.

تشویق کودکان به مداحی و روضه‌خوانی برای بزرگسالان به دلیل جذابیتی که صدای کودکان و مهارت آنها در خواندن برای افراد بزرگسال دارد، یکی دیگر از شیوه‌های استفاده ابزاری از کودکان در مراسم مذهبی است.

نفوذ مذهب و فرهنگ خشونت در میان خانواده‌های ایرانی تا آنجاست که به نظر نمی‌رسد تعداد زیادی از آنها به تاثیرات این نوع مراسم بر روح و روان کودکان توجه کنند. صحنه‌های خشن به شکل عمومی در رسانه‌ها به نمایش در می‌آید و مراسم اعدام در اماکن عمومی برگزار می‌شود و مرزهای خشونت نسبت به کودکان نامشخص و مبهم است. شاید به همین دلیل است که مجبویه، مادر دو کودک ۱۰ ساله و شش ماهه، وقتی درباره اینکه چقدر شرکت در این برنامه‌ها برای کودکانش مناسب است می‌گوید: «بچه‌ها باید کم کم با آموزه‌های مذهبی آشنا شوند. ما خودمان توی همین روضه‌ها بزرگ شده‌ایم. نمی‌دانم... اما من تا حالا به این موضوع فکر نکرده‌ام که ممکن است تحمل این برنامه‌ها برای بچه‌ها زیادی خشن و سخت باشد.»